



سنگ مفت، حرف مفت!

برکت واکسن  
یا واکسن برکت!



شهرام شهیدی  
طنز نویس

سنگ اول

همه اش ننشینیم و از ضعف مدیریت سخن بگوییم. تهیه، توزیع و تزریق واکسن کرونا در هر کشور دارای سه مرحله است. اگر دریکی از این مراحل ضعفی وجود دارد، دلیل نمی شود دیگر ارکان این چرخه را زیر سوال ببریم.

تهیه واکسن شامل این مراحل است: **مرحله اول:** آمادگی تهیه آن از منابع خارجی. مثلاً در همین چند روز گذشته سه یا چهار نهاد و ارگان و موسسه دولتی، نیمه دولتی، خصوصی یا خصوصی اعلام آمادگی کرده اند که میلیون ها دوز واکسن وارد کشور کنند. در طول ۶ ماه گذشته ده ها نهاد و سازمان دیگر هم آمادگی برای واردات را اعلام کرده بودند. همین طور که مشاهده کردید در زمینه اعلام آمادگی نه تنها مشکلی وجود ندارد بلکه به خودکفایی رسیده ایم و می توانیم اعلام آمادگی ها را به اقصى نقاط جهان صادر کنیم.

**مرحله دوم:** مرحله رونمایی از واکسن ساخت داخل. خوشبختانه در این گام بسیار فراتر از برنامه حرکت کرده ایم و هر روز با رونمایی از یک واکسن داخلی جدید، دل مردم خوش می شود. ما امید داریم با تسهیل شرایط و اعطای وام های کم بهره، وضعیت به نحوی مدیریت شود که هر شهروند ایرانی یک رونمایی از واکسن تولیدی جدید داشته باشد.

**مرحله سوم:** مرحله تزریق. کسی تا حالا بابت پیشرفت های معجزه آسا در وعده تهیه یا رونمایی از خط تولید واکسن ها ذره ای تقدیر و تشکر نثار مسئولان کرده که حالا به خودش اجازه می دهد ساختار توزیع و واکسیناسیون در کشور را به پوته نقد بگذارد؟ هرکس نمی تواند خودش را آپدیت کرده و دستاورد های ارزشمند دو مرحله اول را ببیند. همان بهتر که به قول آن خانم، بگذارد از ایران برود. برود آنجا که واکسن هست.

سنگ دوم:

متأسفانه ما اینجا بعضی حرف ها را به شوخی می زنیم اما برخی آن را جدی می گیرند. ما شوخی کردیم گفتیم هرکس از روند واکسیناسیون راضی نیست، بگذارد از ایران برود جایی که واکسن هست. اما ناغافل دیدیم خبرگزاری ها تیتر زدند ۱۴ هزار نفر از ایرانیان برای زدن واکسن به ارمنستان مراجعه کرده اند، که به عبارتی چیزی حدود پنج و نیم میلیارد تومان عوارض خروج از کشور گیر سیستم می آید. همین خودش برکت نیست؟ برکت تراز این واکسن داریم؟

مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار: متوسط قیمت ۷۱ درصد اقلام خوراکی فراتر از حد بحرانی قیمت ها قرار دارند

# حد بحرانی قیمتها: خب جامونو عوض کنید

- ↪ اقلام غیر خوراکی: مال ما فروتره؟
- ↪ سخنگوی سازمان غذا و دارو: حرفیه؟
- ↪ روزنامه سازندگی بررسی می کند: چطور کم خوردن، به کاهش چربی در بدن، افزایش تحرک ملی و توسعه پایدار می انجامد
- ↪ درخواست یک نماینده مجلس: بررسی اثر فیلترینگ اینستاگرام بر کاهش قیمت ها
- ↪ توییت انگلیسی یک مسئول: مردم دنیا گریز و کم مصرفند
- ↪ یک روشنفکر: فرهنگ غذایی ما بیمار، سیاستش نکند
- ↪ رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست در حال نشستن: بد زمو نه ای شده
- ↪ دانشمندان ژاپنی: آب و ۷۱ درصد اقلام خوراکی سرطانزا هستند

#ببخشید که زنده ایم #شهر ونگ

آزادراه

## مصاحبه با یک روشنفکر

شهر ونگ - سلام جناب روشنفکر، ممنون که وقت شریفتونو به ما و مخاطبانمون دادید.  
روشنفکر - چه میشه کرد. فقط زودتر بگید.  
شهر ونگ - ایران به کجا میرود جناب روشنفکر؟  
روشنفکر - سوال غلطیه و از یک ذهن تهی برخاسته. درستش اینه که ایران از کجا میاد؟  
شهر ونگ - ولی ما میخوایم از افق پیش روی ایران حرف بزنیم نه تاریخ.

امیرمسعود فلاح

روشنفکر - نمی فهمین دیگه. می فهمیدین که حالا اینجا نبودین. مشکلات ایران، مشکلات تاریخیه و به شبهه به وجود نیومده.  
شهر ونگ - خب اجازه بدید این سوالا ازتون بپرسم: سهم مدیریت رو در مشکلات چقدر میدونید؟  
روشنفکر - نفهمین دیگه، چه کارتون کنیم. همه چی روسیاسی می کنید. مشکلات ما ریشه های عمیق فرهنگی دارن.  
شهر ونگ - میخوام ازتون بپرسم تأثیر مدیریت بر فرهنگی که می فرمایین، مشکل زاست؟  
روشنفکر - بابا عجب نفهمایی هستین شما دیگه. فرهنگه که مدیریت تو شکل میده، نه مدیریت فرهنگو.  
شهر ونگ - پس می فرمایین این نحوه مدیریت مشکلداره اما ریشه های اون در فرهنگ ماست؟  
روشنفکر - هوی چرا حرف تودهن من میداری؟ من کی گفتم مدیریت ما مشکلداره؟ اصن حرف سیاسی چرا میزنی؟ تاریخ ما مشکل داره، فرهنگ ما مشکل داره، مردم ما مشکل دارن، جغرافیای ما مشکل داره، پستی بلندی! پستی بلندی های ما معدن مشکلاتن. آب وهوا، اقلیم، نگم براتون چه اقلیم پر مشکلی داریم. خاک، گیاهانی که تو این اقلیم و خاک عمل میان، و اویلا، حیات وحش، آبزیان ما، طیور ما، دام ما. اینا همه مشکل دارن. زمانه ما، زمانه ما، زمانه وفور مشکلاته. همه جای دنیا مشکل دارن. اصن جهانی که مادر اون زندگی می کنیم، جنسش از مشکلاته. خوراک ما، خوراک ما مشکل داره. برای چی کیدا همه چربه؟  
شهر ونگ - جناب روشنفکر ببخشید وقت تمومه.  
روشنفکر - زمان بندی ما، زمان بندی ما مشکل داره...

آزادراه

## شما تحمل کنید، ما درست می کنیم

نشانمان دهند، از گفتنش صرف نظر می کنیم. بعد تریپولی توی جیبمان نبود. پس گفتیم برویم سرکار. هم درآمدی کسب کنیم و هم به کشور خدمت کنیم. گفتند «فعلاً کشور نیاز به خدمت شما ندارد. خبرتان می کنیم. در ضمن تحمل کنید، درست می شود.» چند سال بیکار ماندیم و بی پول. بعدتر که خودمان را مشغول کردیم، گفتند «به کشور که خدمت نکردید، لاقل مالیات بدید، کمتر مصرف کنید و به دولت کمک کنید. کشور در مقطع حساسی است. اما نگران نباشید تحمل کنید، درست می شود.» خداوند اکم کم داریم متوجه می شویم این بندگان خدا بیراهه نمی گفتند، ما اشتباه متوجه شدیم. در واقع قسمت اول جمله شان که «تحمل کنید» را با ما بودند اما قسمت دوم یعنی «درست می شود» را اساساً با ما نبودند و مخاطب شان خودشان بودند. چون بیشتر که فکرمی کنیم، می بینیم تحملش را ما کردیم اما برای آنها و بچه های شان همه چیز درست شد. خداوند واقعا چرا ما را اینقدر نفهم آفریدی که درست منظور دوستان را متوجه نشده و دچار سوء تفاهم شویم؟ خداوند اما از سوء تفاهم برهان. - خداوند ایک عمر است هر چه می خواهیم و به آن برای ادامه زندگی نیاز داریم، مسئولان می گویند «کار در حال انجام است و در حال راه اندازی سامانه ای هستیم که مردم عزیز در آن ثبت نام و این کالا را با قیمت مصوب ستاد تنظیم بازار تهیه کنند.» خداوند ادرین نیست روزی که الکترونیسته، اکسیژن هوا، خاک و اعضا و جوارح خودمان را هم با قیمت مصوب ستاد تنظیم بازار به ما بفروشدند. خداوند، خداییش تو این گرما، تو این شرعی، کار درستی نیست.



وحید میرزایی  
طنز نویس

- با توجه به وقایع کشور به نظرمی رسید تنها کاری که می توان کرد، آرزو و دعا کردن است. پس در این ستون تا وقتی که به دعا کردن و آرزو کردن مالیات نیستند، این کار را انجام می دهیم. - خداوند اتو خودت شاهد بوده ای که از روز اولی که پا به عرصه وجود گذاشتیم، مدام به ما گفته اند «تحمل کنید، درست می شود.» از آن روز تا به حال ما هی داریم تحمل می کنیم ولی هی درست نمی شود. از همان بدو تولد صدای بمب و موشک شنیدیم، وقتی گریه کردیم به جای پستونک یک کیسه پلاستیکی را گفتند سق بزینیم و وقتی گفتیم «این حرکت تان جالب نیست واقعا.» گفتند «تحمل کنید، درست می شود. شرایط جنگی است و از طرفی دانشمندان در حال تولید پستونک ایرانی هستند.» وقتی جنگ تمام شد و پستونک ایرانی تولید شد، حقیقتاً ما دیگر پستونک به کارمان نمی آمد. بزرگ تر که شدید، چاره ای نداشتیم جز اینکه درس بخوانیم اما یک چیزی جلوبمان گذاشتند به نام کنکور. گفتیم «این قیفش برعکس نیست؟» قسمت قطور قیف را نشانمان دادند و گفتند «شما چه می فهمید؟ شما جوانان بروید تحصیل کنید، به کشور خدمت کنید و از همه مهم تر تحمل کنید، درست می شود.» دانشگاه که رفتیم یک چیزهایی نشانمان دادند که چون نمی خواهیم بازم

شهر ونگ

مجتبی حیدرپناه ... کارنوئیست



شهر ونگ